

باب ششم در وجوب اشتغال بکسب و کار

جمال قدم جلّ جلاله در کتاب مستطاب اقدس میفرماید قوله تعالی:

"یا اهل الهیاء قد وجب علی کلّ واحد منکم الأشتغال بامر من الأمور من الصّنائع و الأقتراف¹ و امثالها و جعلنا اشتغالکم بها نفس العبادة لله الحقّ تفکّروا یا قوم فی رحمة الله و الطافه ثم اشکروه فی العشیّ و الاشراق². لا تضییعوا اوقاتکم بالبطالة و الکسالة و اشتغلوا بما ینتفع به انفسکم و انفس غیرکم كذلك قضی الامر فی هذا اللوح الذی لاحت من افقه شمس الحکمة و التّبیان. ابغض النّاس عند الله من یقعد و یطلب تمسّکوا بحبل الأسباب متوکّلین علی الله مسبّب الأسباب." (بند ۳۳)

و در لوح ملاً علی بجستانی مخاطباً لمحمّد حسین از قلم جمالقدم جلّ جلاله نازل قوله تعالی:

"کلّ را بصنعت و اقتراف امر نمودیم او را از عبادت محسوب داشتیم. در اوّل امر باید ثوب امانت را از ید عطا که مقام قبولست بیوشی چه که اوست اوّل باب برکت و نعمت."

و در لوح بشارات نازل:

"بشارت دوازدهم قد وجب علی کلّ واحد منکم الأشتغال بامر من الامور هر نفسی بصنعتی و یا بکسبی مشغول شود و عمل نماید آنعمل نفس عبادت عند الله محسوب ان هذا الا من فضله العظیم العمیم."

و در لوح امین میفرماید:

"در اینظهور اعظم کلّ بکسب و اقتراف و صنایع متوکّلاً علی الله المهیمن القیوم مأمورند و اینح کم در الواح مؤکدا نازل."

و در لوح آقا محمّد باقر نبیل مسافر نازل قوله تبارک و تعالی:

¹ اقتراف: کسب و کار

² عشیّ: شامگاهان - اشراق: صبحگاهان

"و همچنین جمیع را امر فرمودیم که بشغلی از اشغال مشغول باشند طوبی از برای نفوسیکه حمل نمود³ و حمل نشد بکسب و اقراراف توجه نمایند فلسی از آن عند الله احب است از کنزیکه بغیر حق جمع شود و آماده گردد."

بیانات مبارکه که در اینخصوص از قلم جمال مبارک نازل گردیده بسیار و در کلمات مبارکه مکنونه و لوح دنیا و سایر الواح مسطور و نازل گردیده مراجعه فرمایند.

حضرت عبدالهء جل ثنائہ در لوح فارس شیراز بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه آقا میرزا بزرگ آقا میرزا علی محمد خان علیہ بہاء اللہ الہی میفرمایند قوله العزیز:

"جمعی الآن در این جهانند و بظاہر و باطن سرگشته و پریشان و مہمل و معطل و بار گران بر سایر ناس. بصنعتی مشغول نشوند و بکار و کسبی مألوف نگردند و خود را از آزادگان شمرند اینگونه نفوس مہملہ البتہ مقبول نہ زیرا ہر نفسی باید کار و کسب و صنعتی پیش گیرد تا او بار دیگرانرا حمل نماید نہ اینکه خود حمل ثقیل⁴ شود و مانند علت کابوس مستولی گردد."

و در لوح دیگر میفرمایند:

"هو الأہی ای بندہ جمال قدم در جمیع امور متوسل بحی قیوم شو و متوکل بر رب ودود. قلب انسان تا اعتماد بر حضرت یزدان ننماید راحت و آسایش نیابد. بلی سعی و کوشش جہد و ورزش لازم و واجب و فرض و قصور و فتور⁵ مذموم و مقدوح⁶ بلکہ شب و روز آنی نباید مہمل بود و دقیقہ ای نباید از دست داد چون کاینات سائرہ باید لیلا و نہارا در کار مشغول شد و چون شمس و قمر و نجوم و عناصر و اعیان ممکنات در خدمات مداومت کرد. ولی باید اعتماد بر تأییدات نمود و اتکاء و اتکال⁷ بر فیوضات کرد زیرا اگر فیض حقیقت نرسد

³ حمل نمود و حمل نشد: یعنی زحمت کشید و باعث زحمت دیگران نشد

⁴ حمل ثقیل: بار سنگین

⁵ قصور و فتور: کوتاهی و سستی

⁶ مذموم و مقدوح: زشت و ناپسند

⁷ اتکال: اعتماد کردن

و عون و عنایت شامل نگردد زحمت ثمر نبخشد کوشش فایده ندهد و همچنین تا باسباب تمسک نشود و بوسایل تشبث نگردد ثمری حاصل نشود ابی الله ان یجری الأمور الا باسبابها و جعلنا لکلّ شیء سببا."